

## رابرت وانوی ، خروج به تبعید، درس ۶ ب

### تاریخ تثبیه، یوشع و فتح

#### ج. تاریخ تثبیه

ج. «تاریخ» است. ما قبلاً وقتی در مورد تشابه بین فرم معاهده هیتی و مواد پیمان عهد عتیق و پیمان موسی بحث کردیم، به این موضوع اشاره کردیم. شکل معاهدات بین‌المللی در طول زمان متفاوت بوده است. همانطور که ممکن است از بحث قبلی من به یاد داشته باشید، مردیت کلاین استدلال کرد که کتاب تثبیه با شکل کلاسیک معاهدات هیتی مطابقت دارد. با توجه به پیشرفت تکاملی در فرم معاهده، مواد موسی با مواد دوران موسی مطابقت دارد. این چیزی است که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم، اما اجازه دهید به عقب برگردم و چند نکته دیگر در مورد تاریخچه این بحث در مورد تاریخ تثبیه بیان کنم.

در اوایل دهه ۱۸۰۰، یک آلمانی به نام ویلهلم دوت پیشنهاد کرد که تثبیه باید با «کتاب شریعت» که کاهن حلقیا در زمان یوشیا پادشاه یهودا در معبد یافت، یکی دانسته شود. یافتن آن «کتاب شریعت» منجر به اصلاحاتی در زمان یوشیا شد. از کتاب دوم پادشاهان می‌توانیم تاریخ یافتن شریعت را به ۶۲۱ سال قبل از میلاد مسیح نسبت دهیم. دوت گفت که هدف تثبیه متمرکز کردن عبادت در اورشلیم است و او این را از فصل ۱۲ گرفته است. من نمی‌خواهم وارد جزئیات فصل ۱۲ شوم. بحث طولانی در این مورد وجود دارد و حتی برخی از محققان محافظه‌کار در مورد چگونگی تفسیر فصل ۱۲ اختلاف نظر دارند. آیا فصل ۱۲ مستلزم تمرکز عبادت به این معنا است که هیچ عبادت مشروعی در هیچ جای دیگری غیر از اورشلیم وجود نداشته باشد؟ دوت آن را اینگونه تفسیر کرد و سایر محققان نیز چنین کردند. به گفته دوت، ایده این بود که رهبران مذهبی اورشلیم کسانی بودند که کتاب تثبیه را تألیف کردند. آنها آن را «پیدا» کردند و به موسی نسبت دادند تا به آن اعتبار و اقتدار ببخشند، در حالی که در واقع از موسی نبود. این از رهبران مذهبی اورشلیم در زمان یوشیا بود که سعی داشتند عبادت را منحصراً در اورشلیم متمرکز کنند.

نوزدهم توسط جولیس ولهاوزن مطرح شد. جولیس ولهاوزن پدر تدوین کلاسیک نظریه این ایده بعدها در قرن J منبع مستند در مورد منشأ اسفار پنجم بود. او گفت که این نظریه از چهار منبع مطالب تشکیل شده است: سند P (برای تثبیه و سند D) که نام الوهیم را ترجیح می‌دهد، سند E) که نام یهوه را ترجیح می‌دهد، سند کاهنان پس از تبعید. (ولهاوزن تحلیل ادبی خود را با دیدگاهی تکاملی از شیوه‌های توسعه نظام‌های مذهبی ترکیب کرد. از نظر او، نظام مذهبی اسرائیل باستان از چندخدایی (پرستش خدایان متعدد) به هنوتئیسیم (یعنی این ایده که خدایان دیگری وجود دارند اما خدای ما بهتر از آنهاست) و سپس به توحید (فقط یک خدا وجود دارد) تغییر کرد. گونه‌شناسی، حرکت از چندخدایی به هنوتئیسیم و سپس به توحید بود. در نهایت، همراه با آن، تکاملی در سیستم

عبادت در اسرائیل باستان از تعدد محراب‌ها، که عبادت را از کنعانی‌ها گرفته بود، رخ داد. سپس در زمان یوشیا، از تعدد محراب‌ها به یک محراب مرکزی - تمرکز عبادت - منتقل شد. او این تحلیل ادبی را با آن نوع ایده، یعنی ولهاوزن تبدیل شد، زیرا تنها JEDP توسعه اسرائیل در تمرکز عبادت، ترکیب می‌کند. تثنیه به هسته اصلی نظریه او بود که به گفته او قلب و هسته کتاب تثنیه از D یکی از آن اسناد ادعایی می‌توانست تاریخ‌گذاری شود و آن سند به سال ۶۲۱ قبل از میلاد مسیح D فصل ۱۲ تا ۲۶ بود. فصل ۱۲ این فصل در مورد تمرکز عبادت بود. اگر که امکان وجود محراب‌ها، محراب‌ها و عبادتگاه‌های متعدد را فراهم می‌کردند، باید E و J برمی‌گشت، پس زودتر بوده باشند. اگر به سال ۶۲۱ و اعیادی که تنظیم شده‌اند نگاه کنید، آن پس از تثنیه بود. این نقطه اتکای ولهاوزن شد که با این ایده تکاملی توسعه هویت مذهبی اسرائیل مرتبط بود. او استدلال JEDP نکات کلیدی نظریه کرد که رهبران مذهبی اورشلیم در زمان یوشیا می‌خواستند تمام عبادت‌ها و قربانی‌ها را در هر جایی جز اورشلیم لغو کنند؛ این امر به آنها کنترل سیاسی و مذهبی بر تمام مردم سرزمین می‌داد. این نظریه در بیشتر قرن بیستم به هنوز تا به امروز بسیار تأثیرگذار است، JEDP، نظریه غالب تبدیل شد. تا آنجا که به تاریخ تثنیه مربوط می‌شود به طوری که اکثر مردم می‌گویند تثنیه از دوره موسی نمی‌آید، بلکه خیلی دیرتر، از قرن هفتم می‌آید. قرن زمان یوشیا.

حال، با توجه به این نکته، تأثیر تثنیه در تمام کتب تاریخی (یوشع، داوران، تأثیر تثنیه بر کتب تاریخی سمونیل و پادشاهان) و همچنین در کتب نبوی منعکس شده است. اگر تثنیه تا سال ۶۲۱ قبل از میلاد نوشته نشده باشد، این بدان معناست که تمام کتب تاریخی و کتب نبوی باید بعد از ۶۲۱ قبل از میلاد نوشته شده باشند، زیرا آنها تأثیر تثنیه را دارند و به کتاب تثنیه وابسته هستند.

نات وجود دارد که تاریخی درباره اسرائیل نوشته است که در اواخر قرن بیستم محقق دیگری به نام مارتین بسیار تأثیرگذار شد. هنوز هم هست. او تزی را مطرح کرد که «تاریخ تثنیه» یا «مفهوم مورخ تثنیه» نامیده می‌شود. او گفت که یوشع تا پادشاهان اثر نویسنده‌ای ناشناس است که در زمان تبعید زندگی می‌کرد و تاریخ اسرائیل را در دست‌بندی‌های الهیات تثنیه قرار داد. آن تاریخ تثنیه، یعنی یوشع تا پادشاهان، اثری یکپارچه از یک نویسنده بود که در اواخر تاریخ اسرائیل به عنوان یک ملت می‌زیست.

تأثیر تثنیه - (DtrH) مورخ تثنیه

نامیده می‌شود، در جریان اصلی مطالعات کتاب مقدس قرار دارد، DtrH مورخ تثنیه‌گرا، که به اختصار مورد پذیرش جهانی است و به سختی مورد تردید قرار می‌گیرد. می‌توانید ببینید که این چه می‌کند - فقط رابطه را به این معنا تغییر می‌دهد که همه چیز منعکس کننده تأثیر تثنیه است. من قصد دارم از کلمات متفاوتی نسبت به

تثنیه‌گرا، که کلمه نات بود، استفاده کنم تا آنچه را که سعی دارم بگویم از برداشت‌های او متمایز کنم. ترجیح می‌دهم از تأثیر تثنیه‌گرا صحبت کنم (بدیهی است که تأثیر تثنیه‌گرا در یوشع وجود دارد؛ همچنین تأثیر تثنیه‌گرا در داوران و در سموئیل و پادشاهان وجود دارد. تأثیر تثنیه‌گرا در تمام کتب نبوی وجود دارد، اما به نظر من، این از پایه‌های اسرائیل ناشی می‌شود که توسط موسی در روزهای آغاز اسرائیل به عنوان یک ملت بنا نهاده شد). آن خطابه‌ها را در دشت‌های موآب به آن نسل دوم، هنگامی که به سرزمین کنعان وارد شدند، به یاد بیاورید (بله، تأثیر تثنیه وجود دارد، اما نه به آن معنایی که نات می‌گفت - اینکه فردی که در تبعید زندگی می‌کرد، تاریخ اسرائیل را از الهیات کتاب نوشته شده در سال ۶۲۱ میلادی، در دست‌بندی‌های آن ایده‌های الهیاتی بازنویسی کرد و با این کار، به راحتی تاریخ واقعی را تحریف کرد. به عبارت دیگر، آیا مثلاً این چرخه در کتاب داوران چیزی است که واقعاً اتفاق افتاده است، یا اینکه کسی فقط سعی دارد تاریخ تجدیدنظرطلبانه اسرائیل را در دست‌بندی‌های الهیات کتاب تثنیه بازنویسی کند؟ این کاملاً چیز دیگری است. این بحث ادامه دارد، اما به نظر من تاریخ کتاب تثنیه مسئله‌ای بسیار مهم است. بله، چیزی وجود دارد که من آن را تاریخ تثنیه می‌نامم، اگرچه فکر نمی‌کنم آنطور که نات می‌بیند باشد. هر کتاب به خودی خود پابرجاست و از نظر تاریخی قابل اعتماد است. فکر نمی‌کنم که آنها مدت زیادی پس از وقایعی که توسط نویسندگان ناشناس توصیف می‌شوند، نوشته شده باشند. آنها آنچه را که واقعاً اتفاق افتاده بود توصیف می‌کردند، و آنچه واقعاً اتفاق افتاده بود با دست‌بندی‌های تثنیه مطابقت داشت، زیرا موسی از قبل، از طرف خداوند گفته بود: «اگر اطاعت کنید - برکت؛ اگر نافرمانی کنید - لعنت و داوری.» این در اسرائیل ریشه دارد، که به آنها گفته شد راه زندگی یا راه مرگ را انتخاب کنند؛ گزینه‌ها پیش روی آنها بود. این نکته اصلی کتاب تثنیه بود. این به یک مسئله بزرگ تبدیل می‌شود. من فکر می‌کنم استدلالی که کلاین بر آن تأکید کرد مهم است زیرا، اگرچه تاریخ تثنیه را اثبات نمی‌کند (فکر نمی‌کنم این ممکن باشد)، مطمئناً به آن جهت اشاره دارد. من فکر می‌کنم در نهایت شما باید تاریخ تثنیه را بر اساس آنچه در مورد خودش می‌گوید بپذیرید. اما داده‌های تاریخی با آنچه در متن تثنیه ادعا شده است، مطابقت دارد یا آن را تأیید می‌کند.

شماره ۲. «مرگ موسی» است که فصل ۳۴ است. فصل ۳۴ دوازده آیه دارد. در آیه ۷ مرگ موسی ۲. می‌خوانید: «موسی هنگام مرگ ۱۲۰ سال داشت.» او بر فراز کوه نیو بود، جایی که می‌توانست به سرزمین کنعان نگاه کند. خداوند در آیه ۴ به او گفت: «این سرزمینی است که به ابراهیم، اسحاق و یعقوب سوگند یاد کردم. آن را به فرزندان تو خواهم داد. من آن را با چشمان خود دیده‌ام، اما تو به آن نخواهی رسید.» سپس راوی در آیه ۱۰ و پس از آن اضافه می‌کند: «از آن زمان، هیچ پیامبری مانند موسی در اسرائیل برنخاسته است، که خداوند او ۱۰ را رو در رو می‌شناخت، و تمام آن آیات و شگفتی‌های معجزه‌آسا را که خداوند او را برای انجام آنها در مصر فرستاده بود، انجام داد.» کاملاً واضح است که آن فصل به عنوان نتیجه‌گیری به کتاب تثنیه اضافه شده است.

مردیت کلاین در تفسیر خود بر کتاب تثنیه، *پیمان پادشاه بزرگ*، اشاره می‌کند که یکی از نکات مهم در کتاب تثنیه، انتقال رهبری از موسی به یوشع است و شما در اینجا به مقدار زیادی به آن اشاره می‌کنید. این نتیجه‌گیری کتاب است؛ سپس انتقال به یوشع در عهد عتیق کامل می‌شود.

پس از مرگ موسی، بنده « کتاب بعدی در عهد عتیق، کتاب یوشع است. یوشع ۱:۱ اینگونه آغاز می‌شود خداوند، خداوند به یوشع بن نون، دستیار موسی، فرمود: موسی بنده من وفات یافته است. اکنون تو و همه این قوم آماده شوید تا از رود اردن عبور کنید.» بنابراین، این گذار از موسی در دشت‌های موآب به یوشع است.

### III. یوشع الف. سخنان مقدماتی ۱. موضوع و ساختار اساسی

موضوع و « A. سخنان مقدماتی «و 1. زیر». A. «برویم». کتاب یوشع III بیاید به سراغ عدد رومی ساختار اساسی «است. من فکر می‌کنم موضوعی که به بخش‌های مختلف کتاب یوشع وحدت می‌بخشد را می‌توان به این صورت بیان کرد: این کتاب، استقرار اسرائیل در سرزمین موعود را تحت رهبری یوشع توصیف می‌کند. استقرار شامل سه عنصر است: ورود) عبور از رود اردن(، فتح) ابتدا یک لشکرکشی جنوبی و سپس یک لشکرکشی شمالی وجود داشت (و تقسیم سرزمین در پایان کتاب، یوشع مرزهای هر قبیله خاص را شرح می‌دهد. بنابراین موضوع اصلی، استقرار اسرائیل در سرزمین موعود تحت رهبری یوشع با استقرار، از جمله ورود، فتح و تقسیم سرزمین است.

این موضوع در فصل اول کتاب پیش‌بینی و آغاز شده است. در فصل اول، در آیه ۲ به عبور از رود اردن اشاره شده است: «موسی بنده من وفات یافته است. اکنون تو و تمام این قوم، آماده شوید تا از رود اردن به سرزمینی که به ایشان، یعنی به بنی‌اسرائیل، می‌دهم، عبور کنید.» آیه ۲ مقدم بر ۱۰:۱ تا ۴:۲۴ است، زیرا در یوشع ۱:۱۰ تا ۴:۲۴ شرح وقایعی را دارید که پیرامون عبور واقعی از رود اردن بوده است. در آیه ۵ از فصل ۱ می‌خوانید: «هیچ‌کس نمی‌تواند در تمام روزهای زندگی‌ات در برابر تو بایستد. همانطور که با موسی بودم، با تو خواهم بود. هرگز تو را ترک نخواهم کرد و تو را رها نخواهم کرد.» آیه ۵ مقدم بر فصل‌های ۵ تا ۱۲ است که فصل‌هایی هستند که فتح را توصیف می‌کنند. آیه ۶ می‌گوید: «قوی و شجاع باش زیرا تو این قوم را به سوی سرزمینی که به پدرانشان سوگند خوردم که به آنها بدهم، هدایت خواهی کرد.» زمین را به ارث ببرید - یوشع ۱ آیه ۶ فصل‌های ۱۳ تا ۲۲ را که در آنها شرح مفصلی از تقسیم آن زمین بین قبایل مختلف آمده است، پیش‌بینی می‌کند. و سپس آیات ۷-۸ فصل ۱: «قوی و بسیار شجاع باشید. مراقب باشید که از تمام شریعتی که بندهام موسی به شما داده است، اطاعت کنید. از آن به راست یا چپ منحرف نشوید، تا در هر کجا که بروید موفق باشید. نگذارید این کتاب شریعت از دهان شما دور شود. روز و شب در آن تفکر کنید تا بتوانید هر آنچه در آن نوشته شده است را با دقت انجام دهید. آنگاه موفق و کامیاب خواهید شد.» این پیش‌بینی دو فصل آخر کتاب، فصل‌های ۲۳ و ۲۴

است، جایی که یوشع، بسیار مانند موسی پیش از خود، بنی اسرائیل را فرا می‌خواند تا آنها را به چالش بکشد تا به عهد وفادار بمانند، زیرا یوشع در شرف مرگ است. ما یک انتقال رهبری دیگر و یک موقعیت دیگر داریم که در آن تجدید عهد مناسب است تا از طریق آن انتقال رهبری، از تداوم عهد مراقبت کنیم - بسیار شبیه به آنچه در پایان تنبیه از موسی به یوشع داشتید. بنابراین، بسیاری از آنچه در ادامه در کتاب یوشع آمده است، در آیاتی که بررسی کردیم، در باب اول پیش‌بینی شده است.

الف. زمین به عنوان هدیه‌ای از جانب خدا

مضمون دیگری نیز در کتاب مکرراً تکرار می‌شود. این مضمون در فصل اول نیز آمده است و آن این است که این سرزمین هدیه‌ای از جانب خدا به قومش است و تنها به یاری و لطف خدا قابل تصرف خواهد بود. به آیه ۲ از فصل ۱ نگاه کنید: «آماده شوید تا از رود اردن عبور کنید و به سرزمینی که من به ایشان می‌دهم، برسید. خداوند این سرزمین را به قومش می‌دهد. آیه ۳: «هر جایی را که پای خود را در آن بگذارید، به شما خواهم داد.» آیه ۶: «شما این قوم را رهبری خواهید کرد تا سرزمینی را که به پدرانشان سوگند یاد کردم که به ایشان بدهم، به ارث ببرند.» آیه ۱۱: «از میان اردوگاه عبور کنید و به قوم بگویید: آنوقت خود را آماده کنید. سه روز دیگر از اینجا از اردن عبور خواهید کرد تا وارد شوید و سرزمینی را که خداوند، خدایتان، به شما می‌دهد، تصاحب کنید.» آیه ۱۳: «فرمان موسی، بنده خداوند، را به یاد آورید که به شما گفت: بیهوه، خدای شما، به شما آرامش می‌دهد و این سرزمین را به شما بخشیده است.» آیه ۱۵: «تا زمانی که خداوند به آنها آرامش دهد، همانطور که برای شما انجام داده است، و تا زمانی که آنها نیز زمینی را که بیهوه، خدای شما، به آنها می‌دهد، تصرف کنند.» قرار بود روبن، جاد و نیمی از قبیله منسی در ضلع شرقی رود اردن ساکن شوند. بنابراین، این زبان در کتاب معمول است. این سرزمین هدیه‌ای از جانب خدا به قومش است و به لطف خدا و با کمک خدا به تصرف درآمده است.

به فصل ۶ بروید، جایی که تصرف اریحا شرح داده شده است. به آیه ۲ توجه کنید. خداوند به یوشع گفت: ببینید، اریحا را به همراه پادشاهان و مردان جنگی‌اش به دست شما تسلیم کردم.» اسرائیل چگونه قرار است آن شهر اول را تصرف کند؟ خداوند قرار بود آن را به آنها بدهد. اریحا را به دست شما تسلیم کردم.» به یوشع نگاه کنید: «همه این پادشاهان [اینها پادشاهان بخش جنوبی سرزمین کنعان هستند] و سرزمین‌های آنها را ۱۰:۴۲ یوشع در یک لشکرکشی فتح کرد [چرا؟]، زیرا خداوند، خدای اسرائیل، برای اسرائیل جنگید.» به یوشع ۲۱:۴۳ پس خداوند تمام سرزمینی را که قسم خورده بود به اجدادشان بدهد، به «نگاه کنید - این نوعی خلاصه است اسرائیل داد و آنها آن را تصرف کردند و در آنجا ساکن شدند. خداوند از هر طرف به آنها آرامش داد، همانطور که به اجدادشان قسم خورده بود. هیچ یک از دشمنانشان در برابر آنها مقاومت نکرد. خداوند همه دشمنانشان را به

دست آنها تسلیم کرد. هیچ یک از وعده‌های خوب خداوند به خاندان اسرائیل به شکست نینجامید؛ همه آنها محقق یوشع ۱:۲۳، «پس از گذشت مدت زمان طولانی، خداوند به اسرائیل از همه دشمنان اطرافشان آرامش» شدند داده بود «یوشع ۸:۲۴، «من شما را به سرزمین اموریان که در شرق اردن ساکن بودند، آوردم. آنها با شما اما من به بلعام گوش» جنگیدند، اما من آنها را به دست شما سپردم. من آنها را نابود کردم»...سپس ۱۰:۲۴ «آیه ۱۳ از فصل ۲۴» بنادام، بنابراین او بارها و بارها شما را برکت داد و من شما را از دست او نجات دادم پس زمینی به شما دادم که در آن زحمت نکشیدید و شهرهایی که نساختید؛ و در آنها ساکن می‌شوید و از تاکستان‌ها آیا این را دیدید؟ - این مضمون که زمین هدیه‌ای از جانب «و باغ‌های زیتونی که خودتان نکاشته‌اید، می‌خورید خدا به قومش است

ب. یوشع به عنوان یک کتاب انتقالی

فکر می‌کنم این کتاب، می‌توان گفت، یک گذار بین اسفار پنج‌گانه و بقیه عهد عتیق را شکل می‌دهد. با نگاهی به گذشته، نشان می‌دهد که چگونه آنها در سرزمین کنعان مطابق با آنچه خدا به ابراهیم، اسحاق، یعقوب و اخیراً به موسی وعده داده بود، ساکن شدند. بنابراین با نگاهی به گذشته، تحقق آن وعده‌ها را می‌بینید. به آیه ۳ از هر جایی را که پای خود را در آن بگذارید، به شما خواهم داد، همانطور که به موسی وعده «فصل ۱ توجه کنید یوشع ۴۳:۲۱) قبلاً به این موضوع پرداختیم»، «پس خداوند تمام سرزمینی را که برای پدرانشان قسم «دادم خورده بود به اسرائیل داد» - یعنی به ابراهیم، اسحاق و یعقوب. بنابراین با نگاهی به گذشته، تحقق آن وعده را می‌بینید.

با نگاهی به آینده، توصیفات دقیقی از دارایی‌های سه‌گانه که عمدتاً از زمان یوشع تا بقیه دوره عهد عتیق دست‌نخورده باقی مانده بود، می‌یابیم. این توصیف آغاز زندگی اسرائیل در سرزمین موعود را شرح می‌دهد، چیزی که قرن‌ها پیش وعده داده شده بود و اکنون به واقعیت پیوسته بود. بنابراین به یک معنا، اسرائیل در نقطه اوج تاریخ خود قرار دارد، اما در عین حال اسرائیل در یک دوراهی قرار دارد زیرا یک سوال بی‌پاسخ وجود دارد. موسی گزینه‌ها را مطرح کرده بود: می‌توانید در نتیجه اطاعت در سعادت زندگی کنید، یا می‌توانید در نتیجه نافرمانی در داوری زندگی کنید. وظیفه اسرائیل دوست داشتن خداوند و خدمت به اوست، همانطور که موسی در تثنیه گفت

کلمه "خدمت کردن" مضمون دیگری است که در سراسر کتاب وجود دارد. اسرائیل ج. مضمون خدمت خدمت به خداوند است. یوشع بارها با این کلمه در فصل ۲۴، جایی که ۱۶ بار تکرار می‌شود، اسرائیل را به چالش می‌کشد. او در یوشع ۱۵:۲۴ می‌گوید: "اما من و خانه‌ام، خداوند را خدمت خواهیم کرد" "به چه کسی خدمت

خواهید کرد؟ "سوال این است. چیزی که ما متوجه می‌شویم این است که اسرائیل تا حد زیادی در طول دوران یوشع وفادار باقی می‌ماند. در یوشع ۲۴:۳۱ درست در انتهای کتاب، می‌خوانید: «اسرائیل در تمام طول عمر یوشع و در تمام طول عمر بزرگانی که پس از او زنده ماندند و هر آنچه را که خداوند برای اسرائیل انجام داده بود، تجربه کرده بودند، به خداوند خدمت کردند.» بنابراین در زمان یوشع، همه چیز کاملاً خوب پیش رفت، اگرچه استثنائاتی مانند مورد آخان وجود دارد که برخی از چیزهای وقف شده را برای خود برداشت و مورد قضاوت قرار گرفت.

کاری که یوشع در دو فصل آخر انجام می‌دهد، هشدار دادن به اسرائیل است، همانطور که موسی انجام داده بود، که اگر آنها عهد را بشکنند، در نهایت از این سرزمینی که به آنها داده شده بود، رانده خواهند شد. اگر به اما اگر روی برگردانید و با بازماندگان این ملت‌هایی که در میان شما «: یوشع ۲۳:۱۲ نگاه کنید، یوشع می‌گوید باقی مانده‌اند متحد شوید، و اگر با آنها ازدواج کنید و با آنها معاشرت کنید، می‌توانید مطمئن باشید که خداوند، خدای شما، دیگر این ملت‌ها را از پیش روی شما بیرون نخواهد کرد. در عوض، آنها برای شما دام و تله، تازیانه بر پشت شما و خار در چشمان شما خواهند شد، تا زمانی که از این سرزمین خوبی که خداوند، خدای شما به شما اما همانطور که هر وعده خوب «: اگر به فصل ۲۳ آیه ۱۵ بروید، یوشع می‌گوید «: داده است، هلاک شوید خداوند، خدای شما، به حقیقت پیوسته است، خداوند نیز تمام بلاهایی را که تهدید کرده است بر شما نازل خواهد کرد تا شما را از این سرزمین خوبی که به شما داده است، نابود کند. اگر عهد خداوند، خدای خود را که به شما امر کرده است، بشکنید و بروید و خدایان دیگر را عبادت کنید و در برابر آنها سجده کنید، خشم خداوند بر شما شعله‌ور خواهد شد و به سرعت از سرزمین خوبی که به شما داده است، هلاک خواهید شد.» بنابراین اینها همان گزینه‌هایی هستند که موسی در کتاب تثنیه ارائه داده است.

اسرائیل بر سر یک دوراهی قرار دارد. اسرائیل چه خواهد کرد؟ در زمان یوشع آنها عملکرد خوبی داشتند، اما خیلی سریع وقتی پس از مرگ یوشع به کتاب داوران می‌رسیم، چرخه مکرر ارتداد، ظلم، توبه و رهایی را می‌بینید. با این حال، خود کتاب، تصویری باشکوه از خوش‌بینی و موفقیت ارائه می‌دهد. من فکر می‌کنم از بسیاری جهات شبیه کتاب اعمال رسولان در عهد جدید است که در آن کلیسای اولیه در نقطه اوج زندگی معنوی خود به تصویر کشیده شده است. در کتاب اعمال رسولان، مشکلات خاصی مانند حنانيا و سفیره وجود دارد که مشابه مشکل عخان در کتاب یوشع است. در پیش زمینه، کتاب اعمال رسولان، پرستش روح القدس و انتشار انجیل است. بنابراین اینها برخی از نظرات در مورد موضوع و ساختار اساسی یوشع هستند.

شخصیت یا شخصیت اصلی "که شماره 2 یوشع است. می‌خواهم " شخصیت یا شخصیت اصلی یوشع 2. توجه شما را به چیزی در اینجا جلب کنم. اگر به اعداد ۱۳ بروید (این در فصلی است که جاسوسان در قادش برنیع

از قبیله افرایم، هوشع بن نون. «و اگر به آن در عبری نگاه کنید،»: انتخاب می‌شوند(، در آیه ۸ می‌خوانید هوشع «به معنای» نجات «یا» کمک «از جانب خداوند است. اما اگر به آیه ۱۶ اعداد ۱۳ بروید، می‌خوانید: «اینها نام مردانی است که موسی برای کاوش در آن سرزمین فرستاد). موسی به هوشع بن نون نام یوشع را داد («). بنابراین موسی نام یوشع را از هوشع به یوشع تغییر داد. در عبری، از **هوشع** به **یهوشع** تبدیل می‌شود. حالا چه تفاوتی وجود دارد؟ **یهوشع** به معنای «خداوند نجات است» است. آن «بی» در ابتدا، شکل کوتاه شده یهوه است. بنابراین «یهوه نجات است». اگر کاربرد این نام را بیشتر دنبال کنید، ترجمه‌ی هفتادگانی، **یهوشع** یا یوشع «را به» عیسی «ترجمه می‌کند، که وقتی به عهد جدید به عنوان نامی که در یونانی به عیسی داده شده» است، مراجعه می‌کنید، فوراً آن را تشخیص می‌دهید. بنابراین، نام عبری که پشت «عیسی» قرار دارد، نام یوشع «است». یوشع «در عبری در واقع همان نام «عیسی» در یونانی است. بنابراین یوشع شخصیت اصلی» است. او رهبری است که جایگزین موسی می‌شود و اسرائیل را از اردن عبور می‌دهد و به فتح و تقسیم سرزمین هدایت می‌کند.

شماره ۳ «شواهد خارجی برای وقایع تاریخی ثبت شواهد خارجی برای وقایع تاریخی ثبت شده در یوشع ۳. شده در یوشع» است. می‌خواهم فقط چند نکته‌ی بسیار کوتاه در مورد یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به زمان کتاب یوشع بیان کنم. چیز زیادی وجود ندارد که دقیقاً قابل اجرا باشد. فقط سه مورد وجود دارد. ما قبلاً در مورد آن در رابطه با بحث خود در مورد تاریخ خروج صحبت کرده‌ایم.

#### الف. نامه‌های آمارنا

اولین مورد، لوح‌های تل العمارنه است. لوح‌های العمارنه مکاتباتی بین فرعون مصر و برخی از دولت‌شهرها در سرزمین کنعان هستند. این لوح‌ها حدود ۱۴۰۰ تا ۱۳۵۰ سال قبل از میلاد نوشته شده‌اند. آن‌ها در اواخر دهه ۱۸۰۰ کشف شدند. در این لوح‌ها به افرادی به نام هبیرو اشاره شده است که قبلاً در مورد آن‌ها صحبت کردیم. این سوال پیش می‌آید: آیا عبرانیان هبیرو هستند؟ پادشاه اورشلیم می‌گوید: «هبیروها حمله می‌کنند و من به کمک شما نیاز دارم» «و از فرعون مصر درخواست کمک می‌کند. به یاد دارید که ممکن است عبرانیان هبیرو محسوب می‌شدند، اما همه هبیروها عبرانی نیستند. هبیروها بیشتر یک طبقه اجتماعی بودند تا یک گروه قومی.

#### ب. ستون

دومین موردی که می‌خواهم به آن اشاره کنم «سنگ یادبود اسرائیل» یا «سنگ یادبود مرنپتاه» یادبود مرنپتاه است. این همان سنگ یادبود مرنپتاه است که از «اسرائیل در سرزمین کنعان» نام می‌برد. فهرست مردمی که او ذکر می‌کند شامل نام «اسرائیل» است. قدمت کتیبه مرنپتاه را می‌توان به ۱۲۲۰ سال قبل از میلاد مسیح نسبت داد،

که نشان می‌دهد اسرائیل در ۱۲۲۰ سال قبل از میلاد در این سرزمین بوده است. این اولین اشاره به اسرائیل توسط هر متن خارج از کتاب مقدس است.

مورد سوم، که ما نیز در مورد آن بحث کردیم، سطوح تخریب در شهرهای ج. سطوح تخریب در شهرها سرزمین کنعان است که به نیمه دوم قرن سیزدهم قبل از میلاد، حدود ۱۲۵۰ سال قبل از میلاد مسیح، برمی‌گردد. تعدادی از شهرهای ذکر شده در کتاب یوشع حفاری شده‌اند و سطوح تخریب در آن دوره زمانی پیدا شده‌اند. اما همانطور که قبلاً بحث کردیم و همانطور که از خواندن مریل به یاد دارید، فقط اریحا، عای و حاصور در خود کتاب یوشع به طور خاص تخریب شده‌اند. من فکر می‌کنم سوال اصلی این است که آیا این سطوح تخریب را می‌توان با فتح [کنعان] مرتبط دانست، یا اینکه مربوط به دوره بعدی داوران هستند. اینها سه دسته از مواد باستان‌شناسی هستند.

#### ۴. رویکردهای معاصر به استقرار اسرائیل در کنعان.

شماره ۴ در طرح کلی شما این است: «رویکردهای معاصر به استقرار اسرائیل در کنعان.» فکر کردم این را به عنوان یک جزوه ارائه دهم تا کمی در وقت صرفه‌جویی کنم. مریل در صفحات ۱۲۲ تا ۱۲۸ در کتاب «*پادشاهی کاهنان*» خود در مورد این مطالب بحث می‌کند. بحثی مداوم در مورد چگونگی و زمان استقرار اسرائیل در سرزمین کنعان وجود دارد. سه موضع معاصر در اینجا فهرست شده‌اند: مدل فتح سنتی برگرفته از مطالب کتاب مقدس، مدل مهاجرت یا نفوذ، و سوم مدل شورش دهقانان. اگر به تحقیقات مدرن مطالعات کتاب مقدس نگاه کنید، هیچ اجماعی در حال حاضر وجود ندارد. اما روند به وضوح در میان محققان اصلی کتاب مقدس، دور شدن از نظریه فتح سنتی است.

بنابراین بیایید به طور خلاصه به این سه رویکرد نگاه کنیم. مدل فتح این است: اسرائیل الف. مدل‌های فتح از خارج از مرزهای خود به سرزمین حمله کرد، با یک سری حملات سریع مقاومت را شکست و سپس برای تکمیل اشغال در مناطق مختلف مستقر شد. در پاراگراف بعدی اشاره می‌کنم که برخی از طرفداران این دیدگاه به شواهد باستان‌شناسی از سطوح تخریب در ۱۲۵۰-۱۲۰۰ قبل از میلاد استناد می‌کنند، اما فکر می‌کنم کل این موضوع اخیراً مورد تردید قرار گرفته است. در آن پاراگراف آخر در صفحه ۱، اشاره می‌کنم که در سال‌های اخیر نسخه ظریف‌تری از نظریه فتح توسعه یافته است که در آن سطوح تخریب سطوح اواخر قرن سیزدهم برای حمایت از این دیدگاه ذکر نشده است. یوجین مریل و دیوید هاوارد، که تفسیری بسیار خوب در مورد یوشع در

تفسیر جدید آمریکایی نوشتند، از جمله کسانی هستند که استدلال می‌کنند فقط سه شهر کنعانی نابود شده‌اند: اریحا، آی و حاصور. مریل اظهار می‌کند: «وقتی کسی بفهمد که این حکم فقط برای جمعیت‌ها و نه برای مکان‌ها و فقط برای اریحا، آی و حاصور اعمال می‌شود.» و سپس به بیمسون اشاره کردم که با مدل متفاوتی کار می‌کند و تاریخ عصر برنز میانی را کاهش می‌دهد و تاریخ‌گذاری را به دهه ۱۴۰۰ میلادی کاهش می‌دهد تا بتواند با مدل کتاب مقدس یا مدل فتح مطابقت داشته باشد. خوب، این مدل سنتی فتح با چند تغییر است.

ب. مدل مهاجرت یا نفوذ

مدل مهاجرت یا نفوذ «می‌گوید که هیچ حمله نظامی واقعی به کنعان صورت نگرفته، بلکه نفوذ تدریجی» عشایر چوپان از بیابان‌های جنوب و شرق رخ داده است. این عشایر با کنعانیان در شرایط خوبی زندگی می‌کردند و حتی با آنها ازدواج می‌کردند. آنها تا قرن یازدهم که به دشت‌های حاصلخیز نقل مکان کردند، وارد درگیری‌های جدی نشدند. این تزلزل در ابتدا در سال ۱۹۲۵ مطرح شد و توسط مارتین نوت (که کسی بود که تاریخ تنبیه را توسعه داد (و اخیراً توسط میلر، یوحنا آهارونی و موشه کوتاوی دنبال شد. روند واقعی اسکان، گذار مسالمت‌آمیز عشایر به زندگی یکجانشینی بود. تنها در مرحله دوم، بنی‌اسرائیل گهگاه درگیر اقدامات نظامی می‌شدند. البته، اگر این دیدگاه را بپذیرید، باید توصیف کتاب یوشع را نادیده بگیرید.

مدل شورش دهقانی «دیدگاه سومی است که می‌گوید هیچ تهاجمی از سوی یک» ج. مدل شورش دهقانی پادشاهی خارجی صورت نگرفته، بلکه قیامی در داخل سرزمین اسرائیل بوده است. جورج مندنهال گفت که هیچ فتحی به معنای معمول آن وجود نداشته است، اما دهقانان روستایی که از سیستم دولت-شهر کنعانی ناراضی بودند تنها ایدئولوژی سیاسی را به نفع جامعه عهد یهوه رد کردند. «او استدلال می‌کند که هیچ تهاجم آماری مهمی به» فلسطین در حدود ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد وجود ندارد. هیچ جابجایی رادیکالی از جمعیت صورت نگرفته است. هیچ نسل‌کشی صورت نگرفته است. هیچ اخراج گسترده جمعیت صورت نگرفته است، فقط یک تغییر اداری سلطنتی صورت گرفته است. هیچ فتح واقعی فلسطین به معنایی که معمولاً درک می‌شود، وجود نداشته است. آنچه در عوض اتفاق افتاده است، از دیدگاه مورخ سکولار علاقه‌مند به فرایندهای اجتماعی-سیاسی، ممکن است شورش دهقانان علیه شبکه دولت-شهرهای کنعانی باشد.

اقتباس و اصلاح بیشتر مدل شورش دهقانی مندنهال، اثر نورمن گوتوالد است. مدل شورش داخلی با انتشار کتاب «قبایل یهوه: جامعه‌شناسی دین اسرائیل آزاد شده» اثر گوتوالد، چرخشی جدید به خود گرفت. کتاب دیگر او «کتاب مقدس عبری: مقدمه‌ای بر ادبیات اجتماعی» است. گوتوالد به این موضوع از منظر فلسفی مارکسیستی نگاه می‌کند. او با مندنهال موافق است که منشأ اسرائیل را می‌توان در یک جنبش اجتماعی انقلابی در جامعه کنعانی جستجو کرد، اما از تزلزل اصلی مندنهال فاصله می‌گیرد،

زیرا انکار می‌کند که انقلاب حداقل تا حدی از شور مذهبی یهویتی الهام گرفته شده باشد. در واقع، او استدلال می‌کند که این نظم باید معکوس شود. یهوئسم فقط به عنوان تابعی از انقلاب ظهور کرد. این انقلاب بود که شرایطی را ایجاد کرد که در آن یهوئسم ظهور کرد. بنابراین، دین به تابعی از روابط طبقاتی تبدیل می‌شود: قدرتمندان موقعیت برتر خود را بر ناتوانان توجیه می‌کنند تا مبارزه طبقاتی خود را تأیید کنند. مندنهال به شدت اصلاح گوتوالد از شورش دهقانان را رد کرد. این نوع تحقیقی است که در حال حاضر در کتاب‌های درسی و مقالات یافت می‌شود.

حال اگر به صفحه ۴ مراجعه کنید، فکر می‌کنم این جالب باشد. *کتاب تاریخ* د. مواضع مختلف جان برایت *اسرائیل باستان اثر جان برایت*، یک کتاب درسی استاندارد در مورد تاریخ اسرائیل باستان بوده است. جان برایت استاد عهد عتیق در مدرسه علمیه یونیون در ویرجینیا، یک مدرسه علمیه پرسبیتی جنوبی بود. او اکنون بازنشسته شده است. کتاب او با عنوان «*تاریخ اسرائیل باستان*» (۴ ویرایش را پشت سر گذاشته است. من در اینجا سه ستون دارم که منعکس کننده چاپ اول ۱۹۶۰، چاپ دوم ۱۹۷۲ و چاپ سوم او در سال ۱۹۸۱ است. به نحوه تغییر دیدگاه او در طول بیست سال از ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۱ توجه کنید. در سال ۱۹۶۰، او در مورد فتح می‌گوید: در نیمه دوم قرن سیزدهم، همانطور که شواهد باستان‌شناسی به وفور گواهی می‌دهند، یورش بزرگی به فلسطین «غربی رخ داد.» در چند سطر پایین‌تر، «هیچ دلیلی برای تردید وجود ندارد که این فتح، همانطور که کتاب یوشع آن را به تصویر می‌کشد، یک کار خونین و وحشیانه بود. این جنگ مقدس یهوه بود که او از طریق آن سرزمین موعود را به قوم خود می‌داد.» این تقریباً بازتابی از آنچه در یوشع می‌خوانید، است. اگر به نسخه ۱۹۷۲ مراجعه کنید، به آنچه او می‌گوید توجه کنید: «ارائه قبلی من با توجه به مقاله مهم جی. ای. مندنهال اصلاح شده است.» مندنهال مدافع مدل شورش دهقانان بود. او می‌گوید: «اگرچه مندنهال شاید در جاهایی با بی‌احتیاطی نظر خود را بیان کرده باشد، در هر صورت، صرف نظر از اندازه گروهی که از صحرا می‌آمدند، و ممکن است بزرگتر از آن چیزی بوده باشد که مندنهال فکر می‌کند، نقش حیاتی آن تهدید بود.» سپس او از تشنج‌های شدید صحبت می‌کند و در جمله‌ی اصلی می‌گوید: «با توجه به پیچیدگی شواهد، شما نمی‌توانید جزئیات عملی را که این امر با آن انجام شد، بازسازی کنید. اما شکی نیست که همانطور که کتاب مقدس آن را به عنوان جنگ مقدس یهوه توصیف می‌کند، «این جنگ بوده است»

سپس به نسخه ۱۹۸۱ او مراجعه کنید. به خط اول توجه کنید. «ارائه‌ای که در اینجا ارائه شده است، در تمام اصول خود، از کار جی. ای. مندنهال پیروی می‌کند.» به عبارت دیگر، او اساساً از توصیف یوشع به دیدگاهی نیمه مندنهال می‌رسد و تقریباً دیدگاه مندنهال را اتخاذ می‌کند. این کاملاً نمونه‌ای از مسیری است که بحث به آن سمت رفته است. در مطالعات کتاب مقدس جریان اصلی، این شورش دهقانان را یک دیدگاه نسبتاً محبوب

خواهید یافت، اما نمی‌توانید آن را با آنچه در کتاب یوشع گفته شده است، هماهنگ کنید. اما فکر می‌کنم باید از این موضع آگاه باشید.

به بالای صفحه ۵ در ویرایش سوم کتاب «برایت» «بروید»: دلیلی برای شک وجود ندارد، زیرا کتاب مقدس آن را خونین و وحشیانه توصیف می‌کند. این یک جنگ مقدس یهوه بود «به صفحه ۴ برگردید»: در واقع، قیام‌ها علیه اربابان شهر از سوی قبایل و گروه‌های قبایل مختلف، قبل از زمان یهوهرستان نیز رخ داده بود، اما این ایمان جدید بود که این وضعیت را از کنترل خارج کرد و کاتالیزوری را فراهم کرد که اسرائیل را به عنوان یک قوم گرد هم آورد. روند درگیری طولانی مدت بود که ما نمی‌توانیم آن را به تفصیل بازسازی کنیم «بنابراین یهوه حتی در این دیدگاه شورش دهقانان نیز پذیرفته شده است. من مطمئن نیستم که آنها این مشکل را حل کرده باشند. من فکر می‌کنم آنچه این را هدایت می‌کند، تلاش برای استفاده از مدل‌های جامعه‌شناختی برای بازآفرینی تاریخ است، نه پذیرش متن کتاب یوشع به عنوان یک منبع تاریخی مشروع. جهت‌گیری در مطالعات عهد عتیق این است که هر چیزی که قرار است از نظر تاریخی گفته شود، باید مبتنی بر باستان‌شناسی باشد. شما برای یافتن اطلاعات تاریخی به متن کتاب مقدس مراجعه نمی‌کنید، بلکه به باستان‌شناسی مراجعه می‌کنید. شما تا حد امکان از باستان‌شناسی برای بازسازی وضعیت جامعه‌شناختی استفاده می‌کنید. اما آنها به متن کتاب مقدس به عنوان منبع اصلی اطلاعات تاریخی مراجعه نمی‌کنند.

اگر جهان‌بینی تاریخ ادیان را در نظر بگیرید، دوره توسعه متفاوتی در مطالب کتاب مقدس عهد عتیق نسبت به مطالب کتاب مقدس عهد جدید منعکس شده است. یک خدای خشونت، جنگ و خونریزی در عهد عتیق و یک خدای عشق، رحمت و لطف در عهد جدید وجود دارد. و برخی از مردم از این مدل استفاده می‌کنند. وقتی به **هرم** نگاه کنیم، بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

در حال حاضر بحث طولانی بین افرادی که از یک متن مواضع مینیمالیستی و از نظر تاریخی قابل اعتماد عموماً از نظر تاریخی قابل اعتماد حمایت می‌کنند، در جریان است. من در مورد مواضع دنیای انجیلی صحبت نمی‌کنم. من چند سال پیش در جلسه‌ای بودم که در آن یک محقق با برخی از مینیمالیست‌ها بحث می‌کرد که استدلال می‌کردند حتی در زمان داوود و سلیمان هیچ پادشاهی متحدی وجود نداشت. این فقط یک سازمان اجتماعی کوچک بود. آنها تقریباً می‌خواهند از شر قرن‌های نهم و دهم و تاریخ امپراتوری خلاص شوند. دور می‌گفت که نمی‌خواهد خود را به عنوان یک بنیادگرا با تکیه بر کتاب مقدس معرفی کند، که می‌گوید سلیمان یک حاکم قدرتمند با امپراتوری وسیع بود. او نمی‌خواست به عنوان یک بنیادگرا شناخته شود. او در این مطالعه گفت: «من اهمیتی نمی‌دهم که آیا سلیمان آنطور که کتاب مقدس او را توصیف می‌کند، وجود داشته است یا خیر. اما واقعیت این است که شواهد باستان‌شناسی به ما می‌گوید که او وجود داشته است.» و او گفت که ما باید از شر تمام پیش‌فرض‌های

پسامدرن خلاص شویم زیرا شواهد باستان‌شناسی تقریباً همان چیزی است که کتاب مقدس آن را توصیف می‌کند . بنابراین هرمنوتیک پسامدرن وارد این موضوع می‌شود - نه تنها در میان انجیلی‌ها، بلکه در میان محققان جریان اصلی که با شواهد علمی بیرون آمده از زمین با یافته‌های باستان‌شناسی کار می‌کنند . این یک وضعیت پیچیده است . کی .ای .کیچن در مورد اعتبار تاریخی عهد عتیق صحبت می‌کند و کتاب بسیار خوبی در مورد آن نوشته است . اما افراد پسامدرن وجود دارند که می‌گویند شواهد باستان‌شناسی معتبر نیستند و بازسازی‌های نظری خود را ترجیح می‌دهند .

بخشی از متن رونویسی و ویرایش اولیه توسط تد هیلدبرانت  
ویرایش نهایی توسط الیزابت فیشر  
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت